



تحلیلی در مورد وضعیت دهقانان ایران

زحمتکشان روستا که مدتیست از چشم ما کمونیست‌ها ناپدید گشته‌اند، بخش عظیمی از متحدین پرولتاریا در انقلاب آینده را تشکیل می‌دهند. این زحمتکشان جزو فقیرترین، ستم دیده‌ترین، استثمارشده‌ترین و بی حقوق‌ترین مردم هستند که به علت پراکندگی در تولید و دوری از شهر، مبارزات‌شان، عصیان‌شان و فریاد اعتراض‌شان کمتر به گوش می‌رسد. رژیم جمهوری اسلامی نیز با سرکوب خشن و خونین روستائیان و تبلیغات عوام فریبانه در مورد رشد تولید در روستا، پرده‌ی ساتری بین آن‌ها و دیگر بخش‌های ناراضی در کشور کشیده است. یکی از دلایلی (نه عمده‌ترین) که اصولاً مسأله دهقانی در جامعه ایران را کمرنگ می‌سازد، ارائه آمارهای اندک و جعلی در مورد کشاورزان و کشاورزی است. آمارهای ارائه شده توسط مرکز آمار ایران همیشه در مورد سال‌های دور گذشته است. لذا تحلیل مسأله روستا همیشه با مشکلات متعددی روبروست. ما به جنگ این مشکلات می‌رویم و سعی می‌کنیم اولین گام را برداریم و با ارائه تحلیل هر چند ناقص ولی نزدیک به واقعیت، توجه بخش‌های مختلف جنبش کمونیستی ایران را به این مسأله جلب نماییم.

کل جمعیت ایران در خرداد ۱۴۰۴ توسط مرکز آمار ایران ۸۶۳۳۴۸۲۶ نفر آمارگیری شده است. در سال ۱۴۰۴ از هر ۱۰۰ نفر جمعیت ایران ۷۷ نفر در نقاط شهری زندگی می‌کنند. (پایگاه خبری یافته)

بر این مبنا ۶۶۴۷۷۸۱۶ نفر در شهر و ۱۹۸۵۷۰۱۰ نفر در روستا به سر می‌برند. در همین سال تعداد خانوار شهری برابر ۲۲ میلیون و ۱۲۹ هزار و تعداد خانوار روستایی ۵ میلیون و ۹۵۲ هزار برآورد می‌شود. (آرشیو اخبار مرکز آمار ایران) به بیان دیگر جمعیت ۱۹۸۵۷۰۱۰ نفری روستا در ۵۹۵۲۰۰۰ خانوار متشکل‌اند. بر این مبنا تعداد متوسط افراد هر خانوار دهقانی ۳,۳۴ نفر محاسبه می‌شود. از مجموعه نیروی فعال ۱۵ ساله و بیشتر روستا یعنی ۶۰۹۲۵۹۷ نفر، حدود ۳۰,۴ درصد در خدمات مشغولند (مرکز آمار ایران) = ۱۸۵۲۱۴۹ نفر. بقیه یعنی ۴۲۴۰۴۴۸ نفر به کار کشت اشتغال دارند. از این تعداد حدود نیم میلیون نفر کارمندان شرکت‌های تعاونی و بخش اداری و یا صاحبان پلانتاژهای بزرگ کشاورزی و دامداری هستند و بقیه یعنی بیش از ۳۷۴۰۴۴۸ نفر کشاورزان خرده پا و یا کارگران کشاورزی و کارگران صنعتی روستا مثل رانندگان تراکتور، مشغول فعالیت‌اند.

شاخص‌های نیروی کار		نقاط شهری			نقاط روستائی		
		۱۴۰۳	۱۴۰۲	تغییرات	۱۴۰۳	۱۴۰۲	تغییرات
جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر	تعداد	۵۰۹۲۷۳۸۷	۵۰۱۰۴۵۸۳	۸۲۲۸۰۴	۱۴۴۱۰۸۹۴	۱۴۴۴۷۲۷۰	-۳۳۶۷۶
	نرخ	۴۰,۷	۴۰,۸	-۰,۱	۴۲,۳	۴۲,۹	-۰,۶
مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر	تعداد	۲۰۷۲۵۳۷۳	۲۰۴۴۱۹۱۰	۲۸۳۴۶۳	۶۰۹۲۵۹۷	۶۱۹۶۳۹۰	-۱۰۳۷۹۳
	تعداد	۳۰۲۰۲۰۱۴	۲۹۶۶۲۶۷۳	۵۳۹۲۴۱	۸۳۱۸۲۹۷	۸۲۵۰۸۸۰	۶۷۴۱۷
جمعیت غیر فعال ۱۵ ساله و بیشتر	نسبت	۳۷,۴	۳۷,۲	۰,۲	۳۹,۹	۴۰,۴	-۰,۵
	تعداد	۱۹۰۴۳۳۰۱	۱۸۶۵۵۵۵۸	۳۸۷۷۴۳	۵۷۴۵۱۲۵	۵۸۳۴۶۲۴	-۸۹۴۹۹
بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر	نرخ	۸,۱	۸,۷	-۰,۶	۵,۷	۵,۸	-۰,۱
	تعداد	۱۶۸۲۰۷۲	۱۷۸۶۳۵۲	-۱۰۴۲۸۰	۳۴۷۴۷۲	۳۶۱۷۶۶	-۱۴۲۹۴

مرکز آمار ایران - نیروی کار سال ۱۴۰۳

جدول فوق نشان می‌دهد که جمعیت روستا رو به کاهش است. مشارکت اقتصادی نیز همین روند را در پیش دارد ولی جمعیت غیر فعال رو به افزایش است. در نتیجه جمعیت فعال اقتصادی نیز رو به کاهش است. فروکش بیکاری در روستا نه به علت ایجاد محل کار جدید بلکه فرار بیکاران از روستاست.

معاون رئیس جمهوری ایران در امور توسعه روستایی و مناطق محروم کشور در آبان ۱۴۰۳ گفت: "از بین ۶۹ هزار روستای کشور، تنها ۳۸ هزار روستا دارای سکنه هستند و ۳۱ هزار روستا خالی از سکنه شده‌اند." به بیان دیگر فقط ۵۵,۰۷ درصد روستاهای ایران دارای سکنه هستند ۴۴,۹۳ درصد خالی از سکنه گشته و به ویرانه تبدیل شده‌اند.

روستاهای ایران به دلایل مختلف با سرعت خالی از سکنه می‌شوند. این دلایل عبارتند از ۱- بی آبی مصنوعی، ۲- عدم پشتیبانی دولتی از کشاورزان خرده مالک، ۳- متشکل کردن گروهی کشاورزان خرده مالک (کشاورزان فقیر و میانه حال) در شرکت‌های تعاون روستایی، ایجاد شرکت‌های بزرگ تولیدی و خدماتی خصوصی توسط پرداخت‌های همین خرده مالکان و بالا کشیدن تمام درآمد شرکت‌های تعاونی توسط این شرکت‌های خدماتی و تولیدی خصوصی.

برای نمونه: شرکت "آریا تجارت سهیل" یک شرکت تأمین کننده کلیه عوامل تولید محصولات کشاورزی است. این شرکت به گفته قربانی معاون وزیر جهاد کشاورزی، توسط سازمان مرکزی تعاون روستایی تأسیس شد.

«اختلاس ۷۳۰ میلیون دلاری شرکت "آریا تجارت سهیل"» این شرکت یک شرکتی خصوصی است و زیرمجموعه وزارت جهاد کشاورزی و تحت حمایت آن است. مسعود ستایشی، سخنگوی قوی قضائی، گفت: «این مسئله ناظر به اقدامی از سوی یکی از زیرمجموعه‌ها بوده و تعهداتی در رابطه با گندم، جو و غیره مطرح شده و موضوع در حال رسیدگی است.»

با در نظر گرفتن تعداد شرکت‌های تعاونی روستایی، غارت کشاورزان فقیر و میانه حال روشن می‌شود.

در حال حاضر تعداد ۳۳ شرکت سهامی زراعی در ۱۴ استان کشور فعالیت دارند که این شرکت‌ها با ۸۸۶۷ نفر سهامدار میزان حدود ۸۰۰۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی (اراضی زراعی و باغی خرده مالکی - ایرنا) کشور را تحت پوشش خود قرار داده‌اند. از ۳۳ شرکت سهامی زراعی در کشور ۲۶ شرکت فعال و ۷ شرکت سهامی زراعی نیمه فعال می‌باشد. (سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران - ۱۴۰۳)

بر مبنای قانون نظام سرمایه‌داری هر کس و یا گروهی که بر این شرکت‌های تعاونی روستایی حاکم باشد، بخش اعظم ثروت تولید شده سالانه شرکت را تصاحب می‌کند. این یکی از عوامل بی خانمانی و فرار کشاورزان خرده‌پا از روستا به شهر می‌باشد.

کل مساحت کشور ۱۶۵ میلیون هکتار است. از این مساحت «بر اساس سرشماری کشاورزی در نیمه دوم سال ۱۴۰۳، مساحت اراضی کشاورزی کشور به ۱۵,۴۳ میلیون هکتار رسیده است.» (مرکز آمار ایران) از این مساحت فقط ۵ میلیون هکتار دارای بالاترین کیفیت و حاصلخیزی برای کشت است. ولی از ۱۵,۴۳ میلیون هکتار فقط ۶ درصد آن اراضی واقعاً مرغوب کشاورزی‌ست. یعنی حدود فقط ۱,۰۸ میلیون هکتار زمین مرغوب کشاورزی وجود دارد. شرکت‌های بزرگ کشت و دامداری سعی می‌کنند این اراضی مرغوب را تصاحب کنند. وزیر جهاد کشاورزی گفت «بیشتر دست‌اندازی هم در این گونه اراضی رخ می‌دهد.»

از کل زمین‌های قابل زراعت در ایران در سال ۱۴۰۳ فقط یک سوم آن کشت آبی است و دو سوم آن برای کشت دیمی مناسب است.

اراضی زراعی آبی ۶,۲ میلیون هکتار برآورد شده است که ۴,۸ میلیون هکتار آن زیر کشت و ۱,۴ میلیون هکتار آن آیش بوده است همچنین مساحت اراضی دیم کشور ۹,۵ میلیون هکتار برآورد شده است که ۶,۸ میلیون هکتار آن زیر کشت و ۲,۷ میلیون هکتار آن آیش بوده است. (مرکز آمار ایران - اقتباس از خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم)

بر این مبنا در سال ۱۴۰۳ مساحت زمین‌های دیمی نسبت به زمین‌های آبی افزایش نشان می‌دهد و این به علت سیاست‌های نادرست دولت در مورد نهرها، رودخانه‌ها و منابع آبی کشاورزی است. تعداد افراد و یا شرکت‌های مشغول کشاورزی مجموعاً ۴,۲۸ میلیون محاسبه شده است (مرکز آمار ایران). به این ترتیب به طور متوسط هر کشتگر ۳,۶۱ هکتار زمین در اختیار دارد. این عدد به طور متوسط است. شرکت‌های بزرگ کشاورزی و دامداری ده‌ها هزار هکتار زمین در اختیار دارند و کشاورزان فقیر مجبورند روی کمتر از یک تا دو هکتار و کشاورزان میانه حال از دو تا ۴ هکتار کشت سالیانه را انجام دهند.

این کشتگران فقیر در عین حال باید بابت کود، آب، بذر و اکثراً تراکتور نیز مقدار قابل توجهی از درآمد خود را نیز بپردازند.

در ایران سال ۱۴۰۱ حدود ۸۰۰ هزار چاه وجود داشته که بر مبنای آمار وزارت نیرو ۵۰۰ هزار از این چاه‌ها، غیر مجاز و ۳۰۰ هزار چاه مجاز بوده است. چاه‌های غیر مجاز در همین سال ۵۰ میلیارد متر مکعب از آب‌های زیر زمینی را برداشت کرده‌اند.

از مجموع حلقه چاه‌های ایران (مجاز و غیر مجاز) ۴۱۶۶۵۰ حلقه در بخش کشاورزی حفر شده است. (آمارفکت) روشن است که کشاورزان فقیر و میانه‌حال قادر به تأمین مخازج چاه (مجاز و غیر مجاز) نیستند. دهقانان مرفه و یا پولداران روستا و حتی شهر، در روستا چاه حفر می‌کنند و آب آن را به روستائیان می‌فروشند.

قیمت هر متر مکعب آب چاه‌های مجاز دارای شمارشگر «معادل ۴۰۰ ریال دریافت و به ردیف درآمدی ۱۶۰۱۱۲ جدول شماره (۵) این قانون نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کنند.» (ایرنا - قرائت ۱۲ ژوئن ۲۰۲۵) مصرف آب کشاورزی در هر سال برای دو هکتار زمین، به طور متوسط ۱۲ هزار متر مکعب است. در نتیجه دهقانی که فقط دو هکتار زمین در اختیار دارد می‌بایست در سال ۴ میلیون و هشتصد هزار ریال فقط پول آب بدهد. این مبلغ در صورتی است که این دهقان از آب مجاز استفاده کند. خرید آب از چاه‌های غیر مجاز هم جریمه دارد و هم بسیار گرانتر است. این فقط گوشه‌ای از چپاول سرمایه‌داری از کشتگران فقیر کشور ماست.

چپاول همه جانبه دولت، شرکت‌های خصوصی و افراد سرمایه‌دار، زندگی در روستا را غیر قابل تحمل می‌کند. علاوه بر این، بخشی از کشتگران کشور با ابزارهای سنتی (گاو آهن، بیل دستی، جدا کردن گندم از کاه به وسیله باد دادن و غیره) به کشت و کار مشغولند و لذا دارای درآمد اندکی هستند که با مخارج در فوق ذکر شده قادر به ادامه زندگی در روستا نیستند. این عوامل نیز روستائیان را از روستا به سمت شهرها فراری می‌دهد.

مسئله دیگری که فقر روستا را تشدید می‌نماید، وابستگی بسیاری از کشتگران به شرکت‌های بزرگ دامداری است. برای مثال، یک شرکت دامداری با دهقانان چندین روستا قرارداد امضاء می‌کند که دهقانان مثلاً یونجه برای دام‌های این شرکت بکارند و صاحبان شرکت طبق قرارداد موظف می‌شوند این یونجه‌ها را خریداری نمایند. وقتی کشتگران فقیر که هیچ امنیت حقوقی ندارد یونجه می‌کارند و برداشت می‌کنند، مسؤول خرید شرکت دامداری قیمت خرید یونجه را دلبخواه پائین می‌آورد و چون این کشتگران فقیر مشتری دیگری برای محصول خود ندارند، مجبور به فروش کالای خود به ارزان‌ترین قیمت می‌شوند، زیان می‌بینند. اگر آن‌ها ادامه دهند، که مجبور هستند ادامه دهند، به بردگان شرکت‌های دامدار تبدیل می‌گردند، که بسیاری از روستائیان چنین وضعی دارند.

به هر جهت روستائیان رانده شده از روستا دارای فرهنگ عقب مانده و سواد ناکافی هستند. بر مبنای آمار رسمی دولتی در سال ۱۴۰۳ حدود ۸ درصد افراد روستائی بی سوادند. در سال ۱۳۹۵ نرخ بی سوادان در روستا ۲۱,۴۸ درصد جمعیت بوده که در سال ۱۴۰۰ این نسبت تا ۱۱ درصد کاهش یافته است. علت آن نیز فرار فقیرترین روستائیان که اتفاقاً طیف بی سواد را شامل می‌شود از روستاهاست. به همین جهت نرخ بی سوادی در شهرهای بلوچستان و سیستان و روستاهای اطراف تهران نسبت به جاهای دیگر بالاتر رفته است.

این روستائیان بی سواد و یا کم سواد هیچ تخصصی در هیچ رشته‌ی صنعتی ندارند و دارای امکان مالی جهت سرو سامان دادن به زندگی خود در شرایط شهری نیز نیستند و به حاشیه شهرها رانده می‌شوند. لذا فقط تعداد اندکی از این روستائیان قادر می‌گردند به صورت کارگر در صنایع جذب شوند، صنایعی که فرسوده است، مورد بی مهری دولت قرار دارد و به طور متوسط با ظرفیت پائین به تولید مشغول است.

روستائیان علیه کلیه نارسائی‌ها، اجحافات، استثمار کننده و سرکوب‌های بی امان توسط دولت، ساکت ننشسته‌اند. مبارزه آن‌ها همانند مبارزه کارگران شهر، مبارزه برای زنده ماندن است. آن‌ها نه بذر دارند و نه آب و نه حمایت یک نیروی یاری دهنده. روستائیان به ویژه کشتگران خرده‌پا (خرده بورژوازی فقیر ده) برای اخذ آب و یافتن بذر باید هر روز در مقابل بورژوازی ده و دولت بورژوازی برزمند. یکی از مبارزات متشکل آن‌ها را ما در کف زاینده رود خشک شده در مهر ماه ۱۳۹۷ می‌توانیم ردیابی کنیم. ۱۵۰۰ روستائی که از پشتیبانی کارگران صنعتی اصفهان و کلیه نیروهای مترقی نیز برخوردار بودند، شعار مرگ و زندگی می‌دادند "برای حق آبمان خواهیم مرد". این مبارزات با آوردن تراکتور و ابزار دیگر تولیدشان در سال ۱۴۰۳ نیز در زاینده رود تکرار شد. اخبار مبارزاتی کشاورزان به علی که در فوق گفته شد، کم انتشار می‌یابد ولی آن‌ها هر روز در مبارزه و درگیری هستند. می‌توان برای مثال از مبارزات کشتگران فقیر در خوزستان در سال ۱۳۹۹، از مبارزات کشاورزان ایلام و کرمان و سیستان و بلوچستان در طی همین سال یاد کرد. مبارزه کشاورزان ایران اساساً بر زمینه‌های رساندن آب و تقسیم عادلانه آن، جلوگیری از انتقال آب کشاورزی به صنایع و تضمین‌های دولتی برای حمایت از کشاورزان در مقابل زالوهای روستا، جریان دارد.

جنبش کمونیستی می‌بایست از این زحمتکشان حمایت کند، می‌بایست در روستا سازماندهی کند، می‌بایست روستائیان فقیر و میانه حال و معترض را برای احقاق حقوق‌شان پشتیبانی نموده و آگاهی طبقاتی آن‌ها را ارتقاء دهد.

روستائیان فقیر و میانه حال دوستان و متحدین پابرجای طبقه کارگر در مبارزه علیه سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم هستند. بدون اتحاد طبقه کارگر با این روستائیان پیروزی علیه سرمایه‌داری ممکن نیست.

نظم کمونیستی

۲۴ تیر ۱۴۰۴

